

# انتظارها و تصورهاى دانش آموزان از دانشگاهها

فريبرز بيات

را مى توان در كسب دانش و علم، توانايى پژوهش و تحقيق، مهارت‌هاى شغلى و حرفه‌اى، و كسب درآمد و موفقيت خلاصه كرد. اما دسته‌اى ديگر از انتظارها و تصورهاى دانش آموزان از دانشگاه در زمره كاركردهاى پنهان و ضمنى دانشگاه قرار مى گيرند. اين گروه از انتظارها عبارت‌اند از:

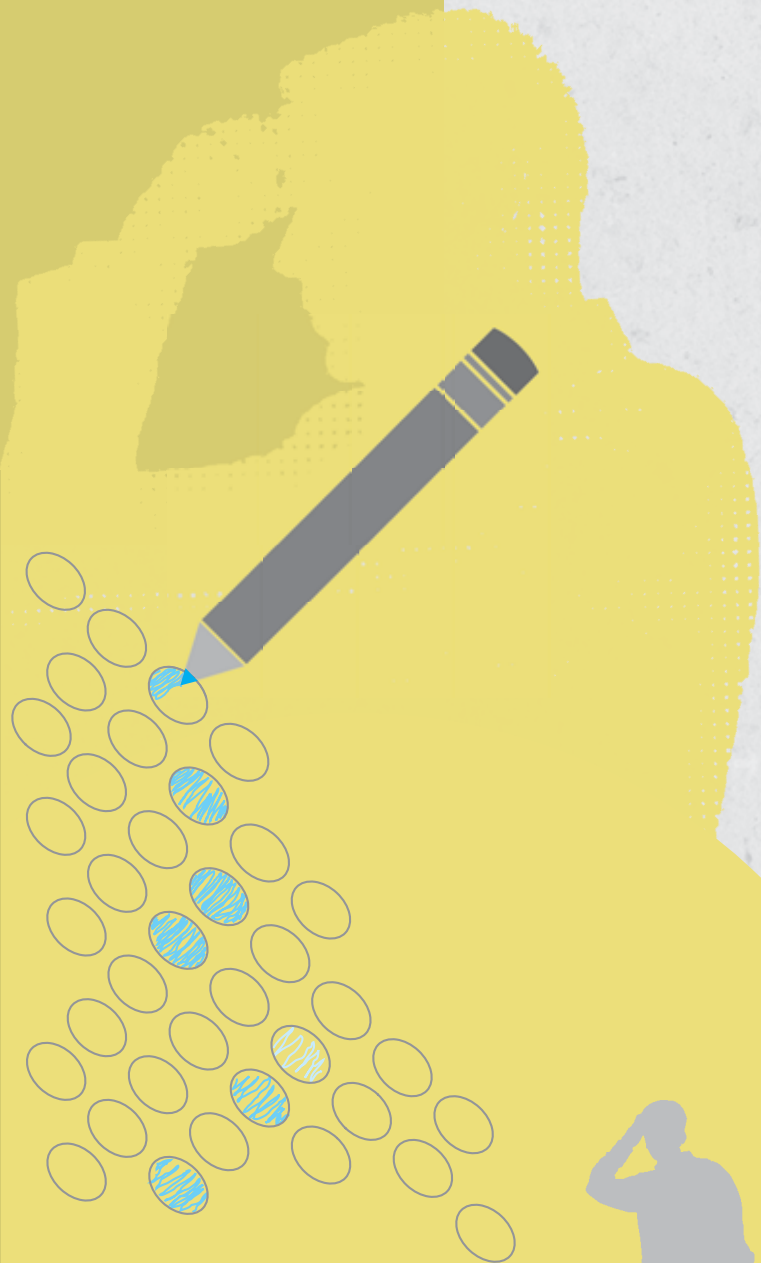
- كسب حيثيت (پرستيژ) و منزلت؛
- به دست آوردن مدرک؛
- جبران آرزوهاى ناکام و برآورده نشده والدین؛
- دوست يابى؛
- ازدواج و پيدا كردن شريك مناسب زندگى آينده؛
- نه گفتن به ازدواج‌هاى تحميلي؛
- فرار از محدوديت‌هاى محيط خانه؛
- فرار از محدوديت‌هاى محيط محلى؛
- محيطى براى اعمال استقلال طلبى؛
- فضايى براى گذار به جامعه؛
- ارتقاى طبقاتى؛
- افزايش فرصت مهاجرت.

شدت و ضعف برخى از اين تصورها بين نسل‌هاى مختلف دانشجويان متفاوت است. اما در مورد برخى انتظارها بين همه نسل‌هاى دانشگاهى كمابيش اشتراك نظر و تلقى وجود دارد كه در اين ميان به نظر مى رسد دو موضوع «كسب حيثيت» (پرستيژ) و «گرفتن مدرک» مهم تر از بقيه هستند. از طرف ديگر، مدرک و حيثيت به نوعى با هم مرتبط هستند و نوعى رابطه ديابالكتيكي و تأثير و تاثير متقابل دارند.

## پول ساز يا باحيثيت

رشته‌هاى دانشگاهى در ايران برحسب کاربرد و علاقه به دو دسته تقسيم مى شوند: رشته‌هاى پول ساز و رشته‌هاى باحيثيت. رشته‌هاى پول ساز آن‌هاى هستنند كه افراد پس از دريافت مدرک آن‌ها با حداقل تضمين كافي براى ورود به بازار كار و كسب درآمد روبه رو مى شوند. اين گونه رشته‌ها در ايران به شدت مورد توجه هستنند، اما برحسب برخى شرايط، در آن‌ها هيچ گونه تضمينى براى پول دار شدن نيست. براى مثال رشته‌هاى مديريت بازرگانى، حسابدارى و علوم رايانه در زمره رشته‌هاى تحصيلى پول ساز به حساب مى آيند.

اما رشته‌هاى باحيثيت (باپرستيژ) آن‌هاى هستنند كه ممكن است بازار كار مناسبى نداشته باشند، گرچه از نظر عامه مردم



دانش آموزان با تصورها، انتظارها و تلقى‌هاى متفاوتى وارد دانشگاه مى شوند. برخى از اين تصورها و انتظارها متناسب با كاركردها و نقش‌هاى آشكار دانشگاه است يا حداقل متناسب با برنامه و هدف‌هاى مصوب دانشگاه از سوى دستگاه‌هاى مسئول و برنامه ريزان نظام آموزش عالى است. اين دسته از تصورها



با کلاس محسوب شوند. واقعیت این است که در حال حاضر حتی کسب مدرک در این رشته‌ها نمی‌تواند تضمین فوری و بلافاصله برای پول پارو کردن به حساب آید.

مشکل ناراحت‌کننده اینجاست که در برخی رشته‌های دبیرستانی، امکان برگزیدن مجموعه‌ای از رشته‌های جذاب و مورد توجه وجود ندارد. برای مثال در رشته‌های تجربی و ریاضی، پزشکی و مهندسی از بیشترین اقبال برخوردارند. در گروه انسانی نیز رشته حقوق و علوم اجتماعی در کانون توجه داوطلبان قرار دارند. اما تا چه میزان می‌توان به تحقق نقشه‌های آرمانی دور و دراز درباره انتخاب رشته امیدوار بود؟

### • تصور دکتر یا مهندس شدن

بیشتر خانواده‌ها تصور می‌کنند که دکتر یا مهندس شدن فرزندان برای خانواده افتخار آفرین است و موجب بالارفتن شأن و شخصیت آن‌ها می‌شود. طی سال‌های اخیر این انگیزه به‌آرامی در حال رنگ‌باختن است و خانواده‌ها به کسب مدرک در هر رشته‌ای از سوی فرزندان بسنده کرده‌اند. امروزه کسب مدرک دانشگاهی صرفاً ابزاری تسهیل‌کننده و نه چندان کلیدی برای ورود به بازار کار محسوب می‌شود. در دوران معاصر این تفکر که فارغ‌التحصیلی یعنی مشغول شدن به کار در حوزه تحصیلی مرتبط، به کلی بی‌اهمیت شده است. اشباع جامعه از فارغ‌التحصیلان این امکان را به کلی سلب کرده است که افراد پس از گرفتن مدرک بتوانند بلافاصله در شغلی آرام و بی‌دغدغه با درآمدی بالا مشغول به کار شوند.

از سال ۱۳۷۸ به بعد که علامت‌های هشداردهنده افزایش فارغ‌التحصیلان نمود یافت، ناگهان تقاضا برای کار به حد بی‌سابقه‌ای بالا رفت. این روند به مرور تا سال ۱۳۸۳ به یک پدیده نگران‌کننده دومی نیز منجر شد که آن افزایش تعداد تحصیل کرده‌های دختر نسبت به پسر بود. اخیراً از این پدیده با عنوان برهم خوردن تعادل فارغ‌التحصیلان نام برده شده است.

### • رشته با حیثیت و شغل کم‌دردر

نتیج یک بررسی نشان می‌دهند پسران تمایل دارند که برحسب تحصیلاتشان مسئولیت‌های کم‌دردر و با حیثیت به آن‌ها محول شود. به همین دلیل رشته‌های پول‌ساز بیشتر مورد توجه پسران قرار می‌گیرند. برعکس، رشته‌های با حیثیت برای دختران تحصیل کرده در درجه نخست اهمیت قرار دارند. واقعیت این است که جامعه ما اکنون اعتقاد به درس خواندن برای رسیدن به شغل مناسب را از دست داده است. گرچه در پس‌زمینه ذهنی برخی خانواده‌ها و جوانان کماکان کور سوی امیدهای آرمانی وجود دارد، اما واقع‌نگری ایجاب می‌کند که آینده برحسب پیش‌دوری‌های غیرمعقول پایه‌ریزی نشود. تمایل پسران به رشته‌های پول‌ساز و پر حیثیت (پرستیژ) را

نمی‌توان مطلق فرض کرد.

تجربه نشان داده است که بیشتر پسران پس از قبولی در رشته‌ای که مورد علاقه آن‌ها نیست، با امید و اکراه به ثبت نام و تحصیل مبادرت می‌کنند و تعداد اندکی از آن‌ها در میانه راه انصراف می‌دهند. اما این نگرش در دختران تا حدی متفاوت است. دختران به خاطر فرصتی که در اختیار دارند، در صورتی که برای ازدواج تحت فشار خانواده قرار نگیرند، به شدت اهل ریسک و انصراف از ثبت‌نام در رشته‌هایی هستند که مورد علاقه‌شان نیست. از این رو تفاوت نگرش دختران و پسران در نوع انتخاب رشته دانشگاهی بسیار حائز اهمیت است.

### • مدرک‌گرایی و مدرک‌فروشی

فضای مجازی باعث شده است رابطه علم و عمل گسسته شود. دانشجویان نسل قدیم پویایی داشتند، ولی امروزه در دانشجویان خستگی دیده می‌شود که این امر یکی از تفاوت‌های عمده نسل قدیم و جدید دانشجویان است. از جمله عواملی که باعث کاهش انگیزه دانشجویان به عمیق‌تر شدن در علم شده است، می‌توانیم به مدرک‌گرایی اشاره کنیم. در سال‌های اخیر رقابتی کاذب ایجاد شده است و افراد در همه سطوح به دنبال گرفتن مدرک هستند.

مدرک‌گرایی معضل بزرگ و اساسی آموزش عالی و جامعه شناخته می‌شود که در صورت تداوم می‌تواند مشکلات زیادی را ایجاد کند. انگیزه جوانان برای ورود به دانشگاه و دریافت مدرک در حالی افزایش یافته که «مدرک تحصیلی» در اولویت نخست شرایط استخدام اغلب دستگاه‌ها و نهادهای اعم از دولتی و خصوصی، قرار دارد.

توسعه روزافزون دانشگاه‌ها و رقابت بر سر مدرک امروز یکی از مشکلات کاهش فرصت‌های شغلی بین جوانان است. سیاست‌های اشتغال‌زایی هر چند از سامان‌دهی بحران بیکاری تقریباً ناتوان ماندند، اما توسعه و تشویق فرهنگ مدرک‌گرایی به تدریج میل به مهارت‌آموزی را بین جوانان کاهش داده است. گسترش پدیده مدرک‌گرایی بنا بر برخی آمارها موجب شده است، درصد قابل توجهی از بیکاران جامعه را فارغ‌التحصیلان دانشگاهی شکل دهند.

از سوی دیگر پدیده مدرک‌گرایی به معضلات و آسیب‌هایی چون فروش مدرک‌های معتبر دانشگاهی بهترین مراکز علمی کشور دامن زده است و با وجود اینکه وزارت علوم، پلیس فتا، قوه قضائیه، شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجلس شورای اسلامی همگی کمابیش تلاش کرده‌اند این چالش را رفع کنند، اما همچنان کسب‌وکارهای دلالان این حوزه روزبه‌روز رونق می‌گیرد. افزایش مدرک‌گرایی طبعاً کاهش اشتغال را به همراه دارد و این معضل قدیمی دانشگاه‌های سراسر کشور باعث شده است بحث «مهارت» به صورت کلی به فراموشی سپرده شود و آموزش‌های نظری (تئوریک) جایگزین درس‌های عملی شوند.